

نوروزیه و نوروزیه‌نویسی در عصر صفوی

زهرة زرشناس*

محسن جعفری**

چکیده

مذهب تشیع در زندگی ایرانیان عصر صفویه از اهمیت خاصی برخوردار بود. از این رو بررسی رویکرد متون مذهبی این دوران به نوروز، به عنوان بزرگ‌ترین جشن ملی بازمانده از ایران باستان، بسیار بااهمیت است. در روزگار صفویه، بحث‌های مذهبی درباره نوروز سبب نگرارش رساله‌های متعددی با عنوان «نوروزیه» شد. از سیزده نوروزیه در منابع مختلف نام برده شده که امروزه رساله در دسترس است. در این پژوهش، برپایه نسخ خطی موجود، به معرفی نوروزیه‌ها پرداخته شده و روند زمانی نگرارش، ویژگی‌های زبانی و ادبی، و ساختار محتوایی این رساله‌ها بررسی شده است. نگرارش نوروزیه‌ها از عصر شاه تهماسب صفوی آغاز شد اما اوج نگرارش رساله‌های نوروزیه به دوران دو شاه پایانی این سلسله مربوط می‌شود. متن نوروزیه‌ها روان و ساده است و پربسامدترین بحث مطرح‌شده در آنها تعیین روز نوروز شرعی بر پایه روایات گوناگون است.

کلیدواژه‌ها: نوروز، نوروزیه، نوروزنامه، صفویه، شاه طهماسب، نوروز شرعی.

* استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول) zzarshenas@yahoo.com

** دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه خوارزمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۲۳

۱. مقدمه

تشکیل دولت صفوی، و پدیدآمدن یک پارچگی سیاسی در ایران پس از قرن‌ها آشفتگی و ملوک‌الطوایفی، از مهم‌ترین حوادث تاریخ ایران است. صفویان، بر پایهٔ مذهب شیعه، هویت ملی نوینی را پدید آوردند که ایران امروز بسیار وام‌دار آن است. این هویت ملی هر چند با تأکید بر هویت مذهبی بنا شد اما مؤلفه‌های فرهنگی ایران پیش از صفویه را نیز در خود جای داد.

بدون شک مهم‌ترین جنبهٔ فرهنگی عصر صفوی جایگاه مذهب تشیع در زندگی ایرانیان این عصر است، از این‌رو بررسی رویکرد متون مذهبی این دوران به نوروژه، به عنوان بزرگ‌ترین جشن ملی بازمانده از ایران باستان، از اهمیت زیادی برخوردار است. از ویژگی‌های عصر صفوی رواج شگفت‌انگیز نوروژه‌نویسی است. هرچند از دوران پیش از صفویه نوروژه‌نامه‌هایی باقی مانده است اما نوروژه‌نویسی در روزگار صفوی، به لحاظ شکل و محتوا، با دوران پیش از آن بسیار متفاوت است. در این پژوهش ضمن معرفی و بررسی نوروژه‌نامه‌های باقی‌مانده از عصر صفوی، که در این دوره نوروژه نامیده می‌شدند، به تحلیل این نوروژه‌نامه‌ها پرداخته شده است.

۲. نوروژه‌نامه‌های پیش از صفویه

کهن‌ترین آثاری که در آن‌ها از نوروژه و آداب و رسوم آن یاد شده رساله‌ها و کتاب‌هایی با عنوان «آیین‌نامهگ یا ایوین‌نامهگ»^۱ است که به زبان فارسی میانه [پهلوی] پیرامون آیین‌های گوناگون ایرانی از جمله جشن نوروژه نوشته شده است (تفضلی، ۱۳۸۹: ۲۴۵).

هیچ‌یک از این آیین‌نامه‌ها برجای نمانده است اما بسیاری از مطالبی که در کتاب‌های عربی نخستین سده‌های اسلامی آمده، از جمله مطالبی که دربارهٔ رسوم نوروژه و مهرگان و دیگر جشن‌های ایرانی در کتاب‌های نویسندگانی مانند جاحظ، بیرونی، قزوینی، و خیام آمده، به احتمال بسیار از این آیین‌نامه‌ها گرفته شده است (همان: ۲۴۷).

کهن‌ترین نوروژه‌نامهٔ به جامانده متعلق به حکیم ترمذی [قرن سوم ق] است. این نوروژه‌نامهٔ کوچک فقط به بحث طالع‌بینی در نوروژه می‌پردازد (بنی‌اقبال، ۱۳۸۷: ۹). مشهورترین نوروژه‌نامهٔ فارسی نیز منتسب به حکیم عمر خیام نیشابوری است. او در این نوروژه‌نامه به شرح آداب و رسوم دربارهٔ ساسانی پرداخته است و در آن به بحث مذهبی نمی‌پردازد (خیام، ۱۳۸۰: ۲).

مسئله دینی تعیین نوروز شرعی، در آثار شیعی از قرن هفتم به بعد، مهم‌ترین علت رواج نگارش «نوروزیه» در دوران صفوی است (جعفریان، ۱۳۷۶: ۶/۶۹۲) و چنان‌که خواهد آمد این مسئله اصلی‌ترین نقطه اشتراک تمامی رساله‌های نوروزیه در این دوران است. رواج جشن نوروز در میان مردم و تلاش برای تعیین آداب شرعی برگزاری آن نیز مسئله‌ای است که به رواج نگارش این رساله‌ها کمک کرد. افزون بر این، توجه دربار صفوی به نوروز، به عنوان یکی از مهم‌ترین جشن‌های درباری، را عاملی دیگر در افزایش نگارش این رساله‌ها می‌توان دانست.

۳. معرفی نوروزیه‌های دوره صفوی

جامع‌ترین فهرست نوروزیه‌های عصر صفوی را علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی^۲ در اثر جامع خود *الذریعه الی تصانیف الشیعه* آورده است (تهرانی، ۱۳۵۶: ۲۴/۳۷۹). آقا بزرگ از ۱۴ رساله نوروزنامه نام می‌برد که ۱۲ عنوان با نام «نوروزیه» مشخص شده‌اند. در یک مورد عنوان رساله «نوروز» ذکر شده که ترجمه‌ای از رساله‌ای عربی با عنوان «النوروز» است و یک مورد نیز «نوروز و سی روز» نام دارد.

روشن است که به رساله‌هایی با محوریت نوروز، در عصر صفوی، به‌طور کلی «نوروزیه» اطلاق می‌شده و در این جا همین عنوان برای نامیدن نوروزنامه‌های بررسی‌شده به کار رفته است.

● رساله فیض کاشانی با عنوان «نوروز و سی روز» صرفاً ترجمه‌ای از حدیث معلی بن خنیس^۳ است و به لحاظ محتوایی نمی‌توان آن را «نوروزیه» به‌شمار آورد^۴ (معین، ۱۳۲۵: ۷۲).

● نویسنده کهن‌ترین رساله نوروزیه عصر صفوی، که در نوروزیه محمد جعفر بن محمد باقر الشریف السبزواری از آن یاد شده، نامشخص است و نسخه‌ای از آن نیز در دست نیست (تهرانی، ۱۳۵۶: ۲۴/۳۸۲).

● سه رساله نوروزیه توسط ملا باقر اسماعیل کجوری، میرزا محمد حسین بن میرزا ابوالحسن قائنی، و رضی‌الدین محمد مستوفی نوشته شده است که نسخه‌ای از آن‌ها در کتاب‌خانه‌های ایران پیدا نشد و آقا بزرگ نیز نسخه‌ای از آن‌ها را معرفی نکرده است (همان: ۳۸۳).

● نه رساله یافت‌شده به ترتیب زمانی عبارتند از:

الف) نوروژیة عمادالدین محمود بن مسعود بن محمود طبیب شیرازی مشهور به عماد طبیب که در یک مقدمه و هشت «مقاله» نوشته و به حمزه میرزا^۶ تقدیم شده است.^۶ مهم‌ترین ویژگی این نوروژیة آن است که نیمی از بخش‌های آن به طالع‌بینی اختصاص یافته است (مقاله پنجم تا هشتم).

ب) رساله نوروژیة ابن محمدرضا محمدتقی الرازی که به شاه صفی^۷ تقدیم شده و مشتمل بر مقدمه، سه فصل، و خاتمه است. در این نوروژیة برخی اعمال مذهبی مربوط به نوروژ، که در دیگر رساله‌ها مورد اشاره قرار گرفته‌اند، شرح داده شده است.^۸

پ) رساله نوروژیة متعلق به آقارضا قزوینی در عصر شاه عباس دوم صفوی^۹ نوشته شده و کوتاه‌ترین نوروژیة عصر صفوی است. از آن‌جا که آقارضا در رساله‌اش تمامی دیدگاه‌ها درباره تعیین روز نوروژ را رد کرده است، از نظر محتوایی، تأثیرگذارترین رساله نوروژیة در عصر صفوی است و تمام نوروژیة‌های پس از آن از این رساله تأثیر پذیرفته‌اند. در پی نگارش این رساله بحث تعیین روز نوروژ و درنهایت نوروژیة‌نویسی بالا گرفت.

در این رساله آقارضا نخست آداب نوروژی را بر اساس احادیث «معتبر» بیان می‌کند. سپس به بحث تعیین زمان نوروژ می‌پردازد و، به رغم رد کردن تمامی زمان‌های پیشنهادشده قبلی، هیچ‌گونه راه‌حل صریحی را نیز پیشنهاد نمی‌کند.^{۱۰}

ت) محمدابراهیم الحسینی المدرس الخادم نوروژیة خود را در دوران شاه سلیمان صفوی^{۱۱} نوشته است. از این نوروژیة دو نسخه باقی مانده است: یکی به زبان عربی و دیگری ترجمه آن به زبان فارسی (همان: ۳۷۹). او در نوروژیة خود بیش‌تر به بحث تعیین نوروژ پرداخته و محاسباتی نجومی را برای تعیین روزهای ذکرشده در حدیث معلی بن خنیس انجام داده است.^{۱۲}

ث) ملا اسماعیل خواجویی، از علمای بزرگ عصر شاه سلطان حسین صفوی، نویسنده دیگر نوروژیة این دوران است و در رساله نوروژیة خود بیش‌تر به بحث تعیین روز نوروژ می‌پردازد و، در پایان رساله کم‌حجمش، اشاره کوتاهی نیز به اعمال و ادعیه نوروژی دارد.^{۱۳}

ج) نوروژیة میرمحمدباقر خاتون‌آبادی از دیگر نوروژیة‌های عصر شاه سلطان حسین صفوی است. رساله او، که مشتمل بر یک مقدمه و چهار فصل است، کاملاً متکی به منابع مذهبی است و بحث‌های غیرمذهبی در آن مشاهده نمی‌شود.^{۱۴}

چ) میرمحمدحسین بن محمدصالح خاتون‌آبادی نویسنده دیگر نوروژیة روزگار شاه سلطان حسین صفوی است. رساله او با بحث کوتاهی درباره تعیین روز نوروژ آغاز می‌شود

و، ضمن بیان «فضیلت این روز و آنچه در روایات معتبره در این باب و اعمال و آداب آن وارد شده»، ادعیه‌های مرتبط فراوانی را ذکر می‌کند که نکته حائز اهمیت این نوروزیه است. بسیاری از این دعاها را فقط در این نوروزیه می‌توان یافت. در پایان نوروزیه نیز به بیان «وجه تسمیه این روز نوروز و ذکر برخی از امور غریبه و عجیبه که در بعضی از کتب در باب این روز نقل نموده‌اند» می‌پردازد.^{۱۵}

ح) نوروزیه دیگری که از دوران شاه سلطان حسین برجای مانده است به اسماعیل بن محمدباقر خاتون‌آبادی تعلق دارد. این رساله حجیم‌ترین رساله نوروزیه موجود عصر صفوی و احتمالاً کامل‌ترین آن‌ها از نظر بیان مطالب است. نوروزیه اسماعیل بن محمدباقر خاتون‌آبادی، بنابر آنچه در آغاز رساله ذکر شده، شامل مقدمه، دوازده باب، و خاتمه است.

متأسفانه نسخه موجود این نوروزیه در ایران ناقص و فقط در بردارنده مقدمه و شش باب، یعنی نیمی از رساله اصلی، است. در این نیمه، نویسنده بیش‌تر به بحث تعیین روز نوروز پرداخته است.

نیمه برجای مانده از رساله اسماعیل بن محمدباقر خاتون‌آبادی صرفاً به منابع مذهبی متکی نبوده و نشان‌دهنده نگاه دقیق و همه‌جانبه وی به نوروز است، این برجسته‌ترین ویژگی رساله اوست. نیمه افتاده رساله او به احتمال فراوان شامل بحث‌های مذهبی جالبی درباره نوروز بوده است که متأسفانه هم‌اکنون در دسترس نیست. باب اول رساله «در تحقیق نیروز فرس وارد در اخبار ائمه عصمت صلوات الله علیهم» است. در باب دوم موضوع «کیسه‌گیری در عصر ملک‌شاه سلجوقی» و «نوروز سلطانی» مطرح شده و پیرو آن توضیحاتی نیز ارائه شده است. در باب سوم به بحث درباره موضوع «یکشنبه هشتدهم ذی‌الحجه الحرام سنه عاشره هجرت، که روز عید غدیر خم، است روز تحویل نبوده و روز بیست و یکم روز نوروز تحویل حمل بوده و چون شب نوروز و حوالی او بوده بر سبیل مسامحه اطلاق نوروز برو شده» می‌پردازد. باب چهارم در «ذکر اموری چند که اهل فرس و عجم بیمن و میمنت در روز نوروز به‌جا می‌آورده‌اند و بر آن فواید مترتب می‌دانسته‌اند» است. در باب پنجم حدیث معلى بن خنیس را نقل می‌کند و با دقتی ستودنی حوادث ذکر شده در آن را با تقویم نجومی تطبیق می‌دهد. در باب ششم به نقد نظرات ابن فهد پیرامون مسئله نوروز شرعی می‌پردازد و بحثی طولانی و دقیق را در رابطه با آن ارائه می‌کند.^{۱۶}

خ) ملا محمدجعفر بن محمدباقر سبزواری نویسنده نوروزیه‌ای دیگر متعلق به عصر شاه

سلطان حسین صفوی است. این نوزویه از مقدمه، سه باب، و خاتمه تشکیل شده است و در آن شرحی طولانی دربارهٔ طلسم‌ها، دعا‌های گوناگون، و خوراکی‌های توصیه‌شده مشاهده می‌شود.^{۱۷}

۴. روند زمانی نگارش نوزویه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر آن

به نظر می‌رسد که نوزویه‌نویسی در دوران صفویه بر پایهٔ بحث‌های فقهی دربارهٔ تعیین زمان نوزوی ذکر شده در روایات پدید آمده باشد. کهن‌ترین نوزویهٔ عصر صفوی متعلق به دوران شاه تهماسب صفوی است. از این نوزویه نسخه‌ای باقی مانده و حتی نام نویسنده آن نیز نامشخص است. در فاصلهٔ زمانی میان پایان سلطنت شاه تهماسب اول و شاه صفی فقط یک رساله، نوشتهٔ عمادالدین محمود بن مسعود، برجای مانده که به حمزه میرزا، شاهزادهٔ صفوی و برادر شاه عباس اول، تقدیم شده است. از عصر شاه صفی صفوی نیز یک نوزویه، متعلق به محمدتقی الرازی، در دست است.

تنها نوزویهٔ باقی مانده از دوران شاه عباس دوم تألیف آقارضا قزوینی است. از دوران شاه سلیمان نیز تنها یک نوزویه، نوشتهٔ محمدابراهیم الحسینی المدرس الخادم، در دست است. اما از دوران شاه سلطان حسین دست کم پنج نوزویه باقی مانده است که حکایت از رواج یافتن نوزویه‌نویسی در دوران این شاه صفوی دارد.

از سه نوزویهٔ روزگار صفوی نسخه‌ای در دست نیست، با این حال از روی برخی منابع مشخص شده که در دو تای آنها نیز آرای آقارضا قزوینی نقد شده است (تهرانی، ۱۳۵۶: ۲۴/۳۷۹). بر همین اساس می‌توان گفت که این نوزویه‌ها نیز به دورانی پس از شاه صفی تعلق دارند.

نوزویه‌نویسی در روزگار شاه سلیمان و شاه سلطان حسین اوج گرفت به گونه‌ای که از ۱۳ رسالهٔ نوزویه ۸ مورد در دوران این دو پادشاه صفوی نوشته شده است. بر پایهٔ نوزویه‌های باقی مانده سه عامل را در این مورد می‌توان مؤثر دانست: نخست، رسالهٔ آقارضا قزوینی که با رد تمام تاریخ‌های ذکر شده توسط پیشینیان عملاً بحث‌های پیشین دربارهٔ نوزوی را به چالشی جدی کشید. دوم، شرایط خاص دوران دو پادشاه پایانی صفوی، به‌ویژه شاه سلطان حسین، که از سویی موجب افزایش قدرت روحانیان در دربار شده و از سوی دیگر بر شوق نگارش آثار مذهبی افزوده بود. عامل سوم ورود علمای بزرگ آن عصر به بحث نوزویه‌نویسی است. علامه محمدباقر مجلسی عملاً بخش بزرگی از کتاب خود را به تعیین

نوروز و آداب مذهبی آن اختصاص داد و روحانی بزرگی چون محمدباقر بن اسماعیل خاتون آبادی نیز، که به عنوان نخستین ملامباشی^{۱۸} و نخستین مدرس مدرسه چهارباغ اصفهان تعیین شده بود، به نگارش نوروزیه پرداخت (جعفریان، ۱۳۷۶: ۶/۷۰۰).

به نظر می‌رسد ورود مردان مذهبی پرآوازه زمان به بحث نوروز سبب توجه بیش‌تر شاگردان و دوست‌داران دانش‌های مذهبی به بحث نوروزیه‌نویسی شد و در رواج نوروزیه‌نویسی تأثیر فراوانی داشت.

۵. زبان نوروزیه‌های عصر صفوی

به طور کلی زبان نوروزیه‌های دوران صفوی، نسبت به نوشته‌های ادبی و تاریخی همان دوران، بسیار ساده و روان و کاربرد واژگان عربی در آن‌ها نسبتاً اندک است. در میان نوروزیه‌های باقی‌مانده بیش‌ترین کاربرد واژگان و ساختارهای زبان عربی در رساله فارسی محمدابراهیم الحسینی المدرس الخادم مشاهده می‌شود.

زبان رساله‌های نوروزیه یک‌نواخت نیست و تقریباً سه گونه نگارشی را در هر رساله می‌توان یافت:

۱.۵ مقدمه (بخش آغازین هر رساله)

این بخش به‌طور کلی بنابر سنت نگارش ادبی دوران صفوی، مملو از صنایع ادبی و واژگان عربی، نوشته و معمولاً با یاد خداوند و مدح شخصی که رساله به او تقدیم شده است [معمولاً شاه عصر] آغاز می‌شود.^{۱۹}

۲.۵ بخش‌های ترجمه‌شده از زبان عربی

قسمتی از نوروزیه‌های عصر صفوی شامل ترجمه احادیثی درباره نوروز بود. از آن‌جا که معمولاً این احادیث مستقیماً توسط خود نویسندگان ترجمه و نوشته می‌شد تأثیر ترجمه در ساختار جمله‌های فارسی نمایان بود.^{۲۰}

۳.۵ متن اصلی

متن اصلی بخش عمده نوروزیه‌های صفوی را تشکیل می‌داد و چنان‌که اشاره شد ساده و

روان نوشته می‌شد و نسبت به متون تاریخی و ادبی هم عصر صنایع ادبی و شمار واژگان عربی در آن‌ها اندک بود.^{۲۱}

۶. بررسی محتوایی نوروزیه‌های دوره صفوی

مسائل مطرح شده در نوروزیه‌ها را می‌توان به هفت دسته تقسیم کرد که در ادامه به ترتیب فراوانی ذکر می‌شود.

۱.۶ تعیین روز نوروز

مسئله تعیین روز نوروز شرعی، که آداب و رسوم ذکر شده در احادیث باید در آن به جا آورده شود، از قرن هفتم در کتب فقهی بررسی شده است.^{۲۲} این بحث به‌ویژه به سبب نابسامانی کیسه‌گیری در دوران اسلامی و تفاوت در گاه‌شماری‌های گوناگون اهمیت یافت.^{۲۳} در عصر صفوی این بحث اوج گرفت و، به‌رغم حجم متفاوت مطالب مربوط به آن، به موضوع مورد بحث در هر نه رساله بدل شد.

آقارضا، ملا اسماعیل خواجه‌بوی، و محمدابراهیم الحسینی بخش عمده رساله خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند، در حالی که میر محمدحسین بن محمدصالح خاتون‌آبادی فقط اشاره‌ای به این موضوع کرده و عملاً از بحث مفصل درباره آن خودداری کرده است. در پنج رساله دیگر نیز بحث تعیین نوروز به مثابه یکی از ارکان نوروزیه‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

در عصر صفوی شش تاریخ گوناگون برای نوروز وجود داشت. محمدباقر خاتون‌آبادی شش تاریخ مورد اختلاف را این‌گونه بیان می‌کند:

علما ... بیش‌تر گفته‌اند که روز نوروز روز اولی است که در وقت ظهر آن روز آفتاب در برج حمل باشد، مطابق اول فروردین ماه ملکی، چنان‌که در این زمان معمول و متعارف است. بعضی گفته‌اند که نوروز اول فروردین ماه فرس است که در این سال که سال هزار و صد و سیزده هجری است مطابق است با روز دوشنبه بیست و نهم شهر ربیع‌الآخر مقارن نزول آفتاب در درجه میزان، و بعضی گفته‌اند که نوروز هفدهم کانون اول است که ماه‌های تاریخ رومی که در این سال مطابق است با روز چهارشنبه بیست و هفتم ماه رجب مقارن نزول آفتاب در درجه هفتم جدی، و بعضی گفته‌اند که نوروز دهم ماه ایار رومی است که در این سال مطابق شنبه دوازدهم ذی‌حجه‌الحرام است و مقارن نزول آفتاب است در درجه

آخر برج ثور، و بعضی گفته‌اند که نوروز روز نهم ماه شباط رومی است که در این سال مطابق روز دوشنبه بیست و دویم ماه مبارک رمضان است و مقارن نزول آفتاب است در درجه اول برج حوت، و بعضی گفته‌اند که نوروز روز اول نزول آفتاب است در برج جدی (جعفریان، ۱۳۷۶: ۶ / ۷۰۸).

عمادالدین محمود بن مسعود مقاله دوم نوروزیه خود را «در تعیین روز نوروز از روزهای سال» اختصاص داده است و می‌نویسد:

و این حقیر گوید که از جمله شواهد بر آن که نوروز روز مذکور (ورود آفتاب به برج حمل) آنست که مهبوب^{۲۴} ریح لواقع در این روز [است] و مقرر است که در اول جدی هبوب این ریح نیست و بر هر عاقل از مجموع این دلایل واضح می‌شود که روز نوروز کدامست و الله اعلم (بنی‌اقبال، ۱۳۸۷: ۵۱).

محمدتقی الرازی مرتبط با این مطلب در نوروزنامه خود بحث کوتاهی دارد. او درباره تعیین نوروز می‌نویسد:

و در روز نوروز خلاف بسیار است اما مشهور میان فقها رضوان الله علیهم اجمعین روز نوروز روزیست که تحویل آفتاب به حمل می‌شود و مشهور میان منجمان روزیست که تحویل آفتاب به حمل قبل از نصف‌النهار شود و اگر تحویل بعد نصف‌النهار شود روز نوروز بعد از آن خواهد بود (همان: ۱۵۱).

محمدابراهیم الحسینی المدرس الخادم پس از بازگرددن دیدگاه‌های آقاراضی پیرامون نوروز، به نقد آن‌ها می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد «اقرّب آنست که این روز نزول آفتاب است به حمل» (قزوینی، نسخه خطی دانشگاه تهران: ۳۱۹).

اسماعیل بن محمدباقر خاتون‌آبادی روز نوروز را اول فروردین عرفی می‌داند. او می‌نویسد:

چنان‌که در اصول مقرر شده و حق است نیز که هر گاه لفظی در قرآن مجید و کلام الله و در کلام حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و کلام امیرالمؤمنین و ائمه طیبین و طاهرین و اخبار و روایات ایشان وارد شود، اگر حقیقت شرعی دارد، آن لفظ وارد حمل بر حقیقت شرعی باید کرد و اگر حقیقت شرعی ندارد، و حقیقت عرفی دارد، حمل بر حقیقت عرفی باید کرد ... و در عرف فارسیان به مقتضای صریح نیست و در عرف فارسیان که عبارت از عرف کوفه و مداین و سایر عراق است که دارالملک فارسیان و مستعملین این لفظ است نیروز عبارت از اول فروردین که اول سال فارسیان است بوده (خاتون‌آبادی، نسخه خطی کتابخانه مجلس: ۲۷).

میرمحمدحسین بن محمدصالح خاتون‌آبادی، پس از بیان اختلاف‌ها درباره‌ی روز نوروز، می‌نویسد:

مشهور میان علما روز اول تحویل آفتاب به برج حمل است چنان‌که اگر قبل از ظهر تحویلی واقع شود، آن روز نوروز است و اگر بعد از شهر تحویل واقع شود، روز بعد نوروز است و این قول اقرب به صواب است و اضطراب در حساب است. اگر بنای اعمال را بر این روز گذارند بهتر است و اگر در هر یک به عمل آورند عمل بهتر خواهد شد و تحقیق این مطلب و ذکر و دفع اشکالات وارده بر این مذاهب علی‌التفضیل مناسب این مقام نیست (خاتون‌آبادی، نسخه‌ی خطی کتاب‌خانه‌ی حضرت عبدالعظیم: ۲).

محمدباقر بن اسماعیل خاتون‌آبادی پس از ذکر شش روز مورد اختلاف علمای عصر صفوی در فصل دوم نوروزیه خود به نقد یک‌به‌یک آن‌ها می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد:

آن‌چه به فهم ناقص این بی‌بضاعت قدری ظاهرتر و به حق نزدیک‌تر می‌نماید و اعتراضات بر آن کم‌تر وارد می‌آید مذهب اول است که آن روز را نوروز قرار دهند، لیکن ظاهر آن است که شایع‌شدن در میان اهل اسلام در آن وقت بوده است و در میان اهل فرس نوروزبودن آن روز قدیم بوده و پیوسته تعظیم آن روز می‌نموده‌اند چنان‌که کوشیار و ابوریحان بیرونی که تتبع کتب مجوس و احکام نجوم نموده‌اند (همان).

ملا اسماعیل خواجویی نخست دیدگاه‌های پیرامون روز نوروز شرعی را بیان می‌کند و آن‌گاه به نقد آن‌ها می‌پردازد و سرانجام نتیجه می‌گیرد:

چون فهمیده شد که این مسأله خلافی است و دلائل هیچ‌یک افاده یا یقین بل ظن به خصوص روزی نمی‌کند پس احوط آن است که اعمال روز نوروز در این دو روز که روز نزول آفتاب به اول حمل و اول عقرب باشد کرده شود، چه از اصحاب سائر مذاهب دلیل اقناعی هم به‌نظر نرسید و لکن قول شیخ شهید - علیه‌الرحمه - که نوروز اول سال فرس است یا حلول آفتاب در برج حمل یا دهم ایار یاد از آن می‌دهند که او در تعیین روز نوروز مردد است میان این سه روز. پس اگر اعمال نوروز در دهم ایار ماه رومی هم کرده شود بهتر خواهد بود (جعفریان، ۱۳۷۶: ۴/۱۸۹).

۲.۶ فضایل نوروز

در هشت رساله‌ی نوروزیه بخشی به ذکر فضایل نوروز اختصاص یافته است و محمدتقی الرازی، عمادالدین محمود بن مسعود، میرمحمدباقر خاتون‌آبادی، و محمدجعفر بن محمدباقر سبزواری در نوروزیه‌های خود فصل‌های جداگانه‌ای را به فضایل نوروز اختصاص داده‌اند.

فضایل ذکرشده برای نوروز عمدتاً ترجمه بخش نخست روایت معلی بن خنیس است که در آن برخی حوادث تاریخ اسلام با نوروز تطبیق داده شده‌اند.^{۲۵} در رساله اسماعیل بن محمدباقر خاتون‌آبادی، که فقط نیمی از آن در دست است، اشاره‌ای به فضایل نوروز نشده است.

۳.۶ اعمال و ادعیه نوروز

آداب و اعمال نوروزی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱.۳.۶ اعمال معتبره

در تمام نوروزیه‌ها، به جز نوروزیه اسماعیل بن محمدباقر خاتون‌آبادی، ذکر شده و مشتمل بر اعمال مذکور در روایت معلی بن خنیس، غسل کردن و پوشیدن لباس‌های پاکیزه و استفاده از عطر و روزه‌داری و خواندن نماز چهار رکعتی ویژه نوروز پس از نماز ظهر و عصر است (جعفریان، ۱۳۷۶: ۶/۷۰۱).

۲.۳.۶ اعمال غیرمعتبره مذکوره

در هشت نوروزیه یاد شده‌اند؛ آقارضی قزوینی، ملا اسماعیل خواجویی، و محمدابراهیم الحسینی صرفاً از آن‌ها نام برده‌اند ولی در پنج رساله دیگر شرح آن‌ها آمده است. مهم‌ترین اعمال غیر معتبره مذکوره را محمدباقر خاتون‌آبادی این‌گونه شرح می‌دهد:

بعضی از علما گفته‌اند که در کتب غیرمشهوره روایت کرده‌اند که در وقت تحویل این دعا را بسیار بخوانند و بعضی گفته‌اند که سیصد و شصت مرتبه بخوانند و دعا این است: 'یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال' و در روایت دیگر دعا چنین است: 'یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال' و بعضی روایت کرده‌اند که سنت است در روز نوروز سیصد و شصت مرتبه این دعا را خواند: اللهم هذه السنه جدیده و انت ملک قدیم اسالک خیرها و خیر مافیها و اعوذ بک من شرها و شر ما فیها و استکفیک مونتها و شغلها یا ذالجلال و الاکرام (همان: ۷۱۲).

محمداسماعیل خواجویی در نوروزیه خود می‌نویسد: «برای آن‌که تا آخر سال هیچ بلایی به شخص نرسد پیش از خواندن دعای بالا سیصد و شصت بار آیه‌الکرسی را تا و هو العلی العظیم بخوانند» (جعفریان، ۱۳۷۶: ۴/۱۹۰).

نویسندگان یادشده، درکنار این دعاها، برخی اعمال را نیز ذکر می‌کنند که به تعبیر

محمدباقر بن اسماعیل خاتون‌آبادی «در میان مردم مشهور است» اما «حدیثی که دلالت بر آن‌ها بکند» وجود ندارد. وی در ادامه این اعمال را چنین نام می‌برد: «نوشتن هفت سلام به مشک و زعفران و گلاب بر کاسه چینی و به گلاب شستن و آشامیدن آن گلاب و مثل خواندن سوره شریفه یس بر انار و غیرها»^{۲۶} (همان: ۶/۷۱۲). خواندن یس بر انار در این رساله‌ها به شکل کاملی توضیح داده شده است.^{۲۷} عمادالدین محمود بن مسعود درباره خواندن سوره یس بر انار می‌نویسد: «سوره یس به عدد خاصی بر انار خواندن در وقت تحویل معروف و مشهور است، اما روایتی در این باب از طرق شیعه به این خصوصیت نرسیده» (بنی‌اقبال، ۱۳۸۷: ۱۱۶).

۳.۳.۶ اعمال غیر معتبره غیر مذکوره

در سه رساله میرمحمدحسین بن محمدصالح خاتون‌آبادی، عمادالدین محمود بن مسعود، و ملا محمدجعفر سبزواری به شمار زیادی از آن‌ها اشاره شده است و ادعیه و طلسم‌های گوناگون را شامل می‌شود.

۴.۶ خوراک نوروژ

چهار رساله عمادالدین محمد شیرازی، محمدتقی الرازی، ملا محمدجعفر سبزواری، و میرمحمدحسین بن محمدصالح خاتون‌آبادی در بردارنده توصیه‌هایی درباره خوراک نوروژاند. خوردن «مخلصه»^{۲۸} به میزان یک مثقال تا سه روز، بنا بر این رساله‌ها، موجب می‌شود که در طول سال «هیچ زهری بر او کار نکند» (همان: ۱۱۵).^{۲۹} توصیه دیگر این است:

هر کسی در روز تحویل آفتاب به حمل نیم مثقال رازیانه به نیم مثقال قند، سفوف^{۳۰} ساخته، بخورد و تا روز تحویل آفتاب به سرطان مداومت نماید در آن سال هیچ قسم کوفتی به هم نرساند و اگر هر سال این کار کند مریض نشود و اگر چه به عمر طبیعی رسد و اصلاً در قوای سستی و ضعف به هم نرسد تا وقت مردن (همان).^{۳۱}

میرمحمدحسین بن محمدصالح خاتون‌آبادی به نقل از ابوریحان نوشته است: «هر که بامداد روز نوروژ، پیش از آن‌که سخن گوید، شکر بچشد و روغن زیتون بر بدن بمالد در تمام آن سال از انواع بلاها محفوظ باشد» (خاتون‌آبادی، نسخه خطی کتاب‌خانه حضرت عبدالعظیم: ۱۹).

سبزوارى به نقل از ابوریحان مى‌نویسد: «هر که در روز نوروز در صبح پیش از حرف‌زدن چند انگشت عسل بلیسد و چند قطعه موم بخورد شفا باشد از کوفت‌ها» (بنی‌اقبال، ۱۳۸۷: ۱۱۶).

۵.۶ پوشاک نوروز

در سه نوروزیه برای پوشاک نوروزی توصیه‌هایی شده است. میرمحمدحسین بن محمدصالح خاتون‌آبادی پیرامون پوشیدن لباس در روز نوروز نوشته است: «در بعضی رسایل مذکور است که در روز نوروز از پوشیدن جامه سیاه و زرد و بنفش و عنابی حذر باید کرد که باعث مفلسی زردکی است، بلکه جامه سفید و سبز و یا آل کبود باید پوشید که باعث توان‌گری و صحت بدن است» (خاتون‌آبادی، نسخه خطی کتاب‌خانه حضرت عبدالعظیم: ۲۰).

او در ادامه شعری را از شیخ طوسی نقل می‌کند:

به وقت گردش سال ای یگانه جهان	نصیحت کنم از بشنوی و دریایی
چهار رنگ میوش و چهار پیوش	کزان چهار شوی خاک و زین چهار آبی
پوش جامه سبز و سفید و آل کبود	میوش زرد و بنفش و سیاه و عنابی
کزان چهار شود قامت تو خم چو کمان	چهار شود چهره تو عنابی

(همان).^{۳۲}

محمدتقی الرازی در نوروزیه خود فصلی را به «بیان جامه پوشیدن و آداب آن» اختصاص داده است:

و چون یکی از این چهار را اختیار نمایند قبل از پوشیدن قدحی پر از آب کنند و بر آن آب ده بار انازلناه و ده بار حمد و ده بار سوره اخلاص بخوانند و ده بار صلوات بفرستند و از آن آب در آن جامه بپاشند و بعد از آن جامه را بپوشند. تا آن جامه در بر آن کس باشد افلاس دامن‌گیر او نشود و هیچ‌گونه غم و المی به گرد او نگردد (بنی‌اقبال، ۱۳۸۷: ۱۵۵).

او در ادامه روایاتی دیگر پیرامون دعا در حین پوشیدن لباس نو و کفش ذکر می‌کند. سبزوارى نیز روایاتی درباره «دعاهایی که هنگام پوشیدن لباس نو باید خوانده شود» ذکر می‌کند (همان).

۶.۶ وجه تسمیه نوروز

میرمحمدحسین بن محمدصالح خاتون‌آبادی خاتمه رساله خود را به بیان وجه تسمیه نوروز اختصاص داده است. او در این بخش روایات اسلامی و روایات سده‌های پیشین، به‌ویژه نوشته‌های ابوریحان بیرونی، را نقل کرده است و، ضمن اشاره به ماجرای گم‌شدن انگشتر سلیمان نبی، می‌نویسد: «چون چهار روز بر این گذشت انگشتر خود را یافت ... پس اهل فرس گفتند نوروز آمد یعنی روز تازه شد» (خاتون‌آبادی، نسخه خطی کتاب‌خانه حضرت عبدالعظیم: ۲۴).

او درباره علت آوردن هدیه برای شاهان و پاشیدن آب در روز نوروز می‌نویسد:

خطاف ۳۳ آمد، به منقار خود آبی داشت آن آب را در برابر آن حضرت پاشید و پای ملخی را برای آن حضرت به هدیه آورد و به این جهت شایع شد که در روز نوروز آب می‌پاشند و هدایا و پیشکش‌ها برای ملوک می‌آورند (همان: ۲۵).

ملا محمدجعفر سبزواری در باب اول نوروزیه خود، افزون بر موارد مطرح‌شده خاتون‌آبادی، می‌نویسد:

و بعضی از علما گفته‌اند که نوروز در زمان نوح نبی به‌هم رسید. چون در این روز کشتی آن حضرت بر کوه جودی قرار گرفته بود، اهل کشتی آن روز را بر خود مبارک دانسته هر سال در آن روز به عبادت و عیش مشغول می‌گردیدند و بدین سبب این روز را نوروز نامیدند (بنی‌اقبال، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

در ادامه «اختراع گردون» توسط جمشید، پیروزی فریدون بر ضحاک، و پادشاهی جمشید را از دیگر علل نام‌گذاری نوروز برمی‌شمرد (همان: ۱۰۵).

۷.۶ طالع‌بینی در نوروز

۱.۷.۶ بر پایه روز تحویل سال در هفته

در دو نوروزیه عمادالدین محمود بن مسعود و ملا محمدجعفر سبزواری پیرامون طالع‌بینی، بر اساس آن‌که روز تحویل سال در کدام‌یک از روزهای هفته باشد، مطالب مشابهی آمده است. این مطالب از روی طالع‌بینی نوروزنامه حکیم ترمذی بازنویسی شده‌اند.

بنابر این رساله‌ها می‌توان گفت:

اگر نوروز یکشنبه باشد، صاحب سال آفتاب بود و حال بزرگان و ملوک میانه و طرب و نکاح بسیار بود و نعمت فراوان بود و نرخ‌ها ارزان بود. اگر دوشنبه نوروز باشد، صاحب سال قمر بد

حال پادشاهان نیک بود و با قدرت و عظمت باشند و دیگر مردمان را کار میانه بود و نعمت فراوان بود و نرخها ارزان بود. اگر سه‌شنبه سال تحویل شود، صاحب سال مریخ باشد حال بزرگان و سلاطین نیکو بود اما کار مردم بسته بود و دل‌های مردم پر از غم و اندوه بود و کار بازرگانان هم بسته بود، نرخها گران بود و فتنه و آشوب و حرب و اراجیف بسیار بود و گزندگان و حشرات بسیار باشد. اگر نوزده چهارشنبه باشد، صاحب سال عطارد باشد دلیل کند که در آن سال فتنه و تشویش و حرب و مصاف بود و نرخها گران گردد. اگر پنج‌شنبه باشد، صاحب سال مشتری باشد در آن سال علما و سادات و فقها و حفاظ را نیک و بزرگان را رغبت به کار خیر بود و احوال ملوک و سلاطین وقت نیکو بود و مرادهای ایشان برآید و درویشان را نیک بود و نباتات خوب باشد. اگر جمعه باشد، صاحب سال زهره باشد. در این سال نعمت بسیار بود و گندم و جو ارزان بود و سرانجام اگر شنبه باشد، خداوند سال زحل باشد دلیل رنج و غم و خلاف و گفت‌وگوی بود و میان سلطان و رعیت منازعت باشد (بنی‌اقبال، ۱۳۸۷: ۷۵).

۲.۷.۶ بر پایه صورت‌های فلکی

در دو نوزویۀ عصر صفوی طالع‌بینی بر اساس صورت‌های فلکی ذکر شده و عمادالدین محمود بن مسعود شیرازی مفصل‌ترین بحث نجومی و طالع‌بینی را در میان تمام نوزویۀ‌های عصر صفوی انجام داده است. سه مقاله از هشت مقاله نوزویۀ شیرازی به طالع‌بینی اختصاص دارد. او در مقاله ششم و هفتم رساله خود بحثی مفصل و تخصصی درباره طالع‌بینی بر پایه احکام طالع‌بینی رایج در آن دوران را ارائه کرده است. در مقاله ششم، که «در احکام طالع سال عالم» نام دارد، طی هشت باب به طالع‌بینی سال می‌پردازد و در آغاز مقاله می‌نویسد: «بدان‌که در عرف علمای احکام طالع سال را دخلی کلی در امور عالم و حوادث هست و ما بعضی از آن یاد کنیم در چند باب» (همان: ۶۵). سپس در هشت باب «طالع سال» را بیان می‌کند: «باب نخست در مجمل احوال مردم، باب دوم درباره مرگ بزرگان، باب سوم در حوادث جو و زلزله، باب چهارم در حرب‌ها و فتنه‌ها، باب پنجم در وبا و بیماری‌ها، باب ششم در حرارت و برودت، باب هفتم در احکام باران‌ها و برف‌ها، باب هشتم در نرخ‌ها» (همان). در مقاله هفتم، که بحثی بسیار تخصصی در کیفیت رمل سالیانه است، نخست به بررسی چگونگی «استخراج اصول مردم و سال و حکم هر روز» می‌پردازد (همان: ۷۰) و سپس توضیح کاملی درباره رمل سالیانه می‌دهد و در ادامه برای استخراج آن جدول‌هایی ارائه می‌کند.

دیگر نوزویۀ دربردارنده مباحث طالع‌بینی رساله محمدتقی الرازی است. مبحث پایانی رساله او «در آنچه در وقت تحویل به کار دارند از منسوبات کوکب صاحب حد به اعتقاد حکما و اهل نجوم» نام دارد.^{۳۴}

۷. نتیجه‌گیری

بررسی نُه رساله نوزویه برجای‌مانده از عصر صفوی حاکی از ناهماهنگی در زبان و بخش‌های مختلف هریک از رساله‌هاست، به گونه‌ای که در هر رساله سه گونه نگارشی یافت می‌شود. مقدمه، که بنابر سنت نگارشی عصر صفوی معمولاً سرشار از صنایع ادبی و واژگان عربی است، بخش ترجمه‌شده از زبان عربی، که شامل ترجمه احادیث درباره نوزوی است و آثار ترجمه از زبان عربی در آن‌ها دیده می‌شود، و متن اصلی نوزویه‌ها که روان و دارای صنایع ادبی اندکی است. نکته جالب توجه این است که این سه گونه نگارش تقریباً در تمامی رساله‌ها مشترک است.

از آن‌جا که نویسندگان این آثار عمدتاً عالمان مذهبی عصر بوده‌اند تعیین روز نوزوی شرعی مذکور در روایات پربسامدترین بحث مطرح‌شده، و گاه بحث اصلی، در نوزویه‌هاست. جدا از آقارضا قزوینی، که تمامی تاریخ‌های پیشنهادی دیگر رساله‌ها را رد می‌کند، در بیش‌تر نوزویه‌ها اول حمل به عنوان روز نوزوی شرعی تعیین شده است.

علاوه‌بر آن، فضایل نوزوی از نظر روایات، اعمال و ادعیه شرعی برای نوزوی، توصیه‌هایی برای خوراک در نوزوی، توصیه برای پوشاک نوزوی، وجه تسمیه نوزوی، طالع‌بینی بر اساس روز تحویل سال در هفته، و طالع‌بینی بر اساس صورت‌های فلکی به‌ترتیب پربسامدترین مباحث مطرح‌شده در رساله‌های نوزویه‌اند.

به‌نظر می‌رسد که عالمان و بزرگان مذهبی عصر صفوی کوشیده‌اند با نگارش این رساله‌ها پاسخ‌گوی پرسش‌ها و دغدغه‌های ایرانیان مؤمن، و معتقد به دین اسلام، در هنگام برگزاری این بزرگترین جشن ملی باشند. درواقع، نگارش نوزویه‌ها می‌تواند از مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد پیوند میان هویت مذهبی و ملی این عصر باشد.

پی‌نوشت

۱. در زبان فارسی میانه: n-nāmāgēay/ ēwēn-nāmāg
۲. شیخ محمدحسن آقابزرگ تهرانی، کتاب‌شناس و رجالی بزرگ، در ۱۲۹۳ ق به دنیا آمد. زبان، ادبیات، فقه، و اصول را در تهران و نزد اساتیدی چون محمدحسین خراسانی، سیدعبدالکریم لاهیجی، و میرزا محمود قمی آموخت. در ۱۳۱۵ ق عازم نجف شد و نزد حاج میرزا حسن نوری تحصیل علم حدیث کرد و در حوزه درس آخوند خراسانی، سیدمحمدکاظم یزدی، و شریع اصفهانی به تکمیل فقه و اصول پرداخت و به درجه اجتهاد نائل آمد. در ۱۳۲۹ ق به سامرا رفت و

- تا ۱۳۵۴ ق در آنجا بود. از آن پس رخت به نجف کشید و تا پایان عمر در آنجا زیست و در ۱۳۸۹ ق در نجف درگذشت (صدر حاج سیدجوادی، ۱۳۷۵: ۱/ ذیل «آقابزرگ تهرانی»).
۳. پراوازه‌ترین حدیث شیعی مربوط به نوروز حدیثی از معلى بن خنیس است که به نقل از امام صادق ذکر شده است. این حدیث نخستین بار در مصباح المتعجد شیخ طوسی (قرن پنجم ق) آمده و در آن، ضمن تأیید نوروز، از غسل کردن، پوشیدن لباس‌های پاکیزه، استفاده از عطر، روزه‌داری، و خواندن نماز چهار رکعتی ویژه نوروز پس از نماز ظهر و عصر، با عنوان سنت‌های شیعی نوروز نام برده شده است (جعفریان، ۱۳۷۶: ۶/ ۶۸۷). این حدیث تا قرن نهم ق به همین شکل نقل شده اما ابن فهد در المهدب البارع فی شرح المختصر النافع آن را به شکل مفصل‌تری آورده است. در این روایت و در ابتدای حدیث، امام صادق (ع) زمان رویداد وقایع مهمی از تاریخ اسلام را روز نوروز می‌داند (همان: ۶۹۳). در دوران صفویه روایت مفصل‌تری از این حدیث رواج داشته که در بحار الانوار علامه مجلسی نیز ذکر شده است. در این روایت افزون بر نقل روایت ابن فهد آمده است که معلى از امام خواسته که نام‌های فارسی سى روز ماه را بیان کند و به دنبال آن سى نام فارسی همچون هرمزدروز، بهمن‌روز، اردیبهشت‌روز، و... آورده شده است (همان: ۶۹۷). این روایت همان است که مورد استفاده نوروزیه‌نویسان عصر صفوی قرار گرفته است. (معین، ۱۳۲۵: ۷۲).
۴. در سایر رساله‌های «نوروزیه» موضوعات پیرامون نوروز مورد تحلیل قرار گرفته و صرفاً به ترجمه یا نقل حدیث اکتفا نشده است. از این رو به نظر می‌رسد این رساله را، از نظر محتوایی، نمی‌توان یک «نوروزیه» صفوی به‌شمار آورد. محمدمعین این رساله را در بخشی از روزشماری در ایران باستان به چاپ رسانده است (معین، ۱۳۲۵: ۷۲-۸۵).
۵. حمزه میرزا پسر و ولیعهد شاه سلطان محمد صفوی بود. او در دوران سلطنت پدرش کفایت و رشادت بسیار از خود نشان داد. دوبار هجوم ترکان عثمانی را در آذربایجان دفع کرد اما نفاق و اختلاف امرای قزلباش و ضعف و سستی شاه سلطان محمد به او مجال قدرت‌نمایی نداد. عاقبت در نزدیکی گنجه به دست دلاک جوانی به نام خدای وردی در ۹۹۴ ق به قتل رسید و جسدش در مقبره شیخ صفی‌الدین در اردبیل مدفون شد (مصاحب، ۱۳۸۷: / ذیل «حمزه میرزا»).
۶. مقاله اول رساله عمادالدین محمود بن مسعود «در فضایل نوروز» نام دارد که در آن فضایل نوروز براساس حدیث معلى بن خنیس ذکر شده است. مقاله دوم در تعیین روز نوروز از روزهای سال است و در این مقاله دیدگاه‌های مختلف پیرامون تعیین روز نوروز را آورده است؛ با این حال به پذیرش روز اول حَمَل گرایش بیش‌تری دارد. مقاله سوم «در عبادات شرعیه که متعلق است به این روز» نام گرفته است و نویسنده در آن به تشریح آداب مذهبی خاص این روز می‌پردازد. در مقاله چهارم، با عنوان «در بعضی ادویه که میان حکما و اطبا متعارفست که درین روز استعمال

نمایند»، مصرف گیاهان خاصی را در نوروژ توصیه و خواص آن‌ها را بررسی می‌کند. مقاله پنجم «در استخراج طالع سال» نام دارد و در آن به چگونگی استخراج طالع سال می‌پردازد. مقاله ششم «در احکام طالع سال» نام دارد و از ۸ باب تشکیل شده است: باب نخست، در مجمل احوال طبقات مردم، باب دوم، در طالع دولت، باب سوم، در حوادث جو و زلزله، باب چهارم، در حرب و فتنه‌ها، باب پنجم، در وبا و بیماری، باب ششم، در حرارت و برودت، باب هفتم، در احکام باران‌ها و برف‌ها، و باب هشتم، در نرخ‌هاست و در هر یک از باب‌ها اوضاع سال، با توجه به «طالع سال»، پیش‌بینی می‌شود. مقاله هفتم «در کیفیت رمل سالیانه» است و در آغاز آن نویسنده تذکر می‌دهد: «رمل سالیانه از ابتدای تحویل حمل تا یک درجه آفتاب از توجه حمل حرکت کند باید کشید و آن رمل را ثابت کرد و احکام به مقتضای آن می‌باید گفت» (بنی‌اقبال، ۱۳۸۷: ۷۰). آن‌گاه به توضیح «احکام به مقتضای رمل» می‌پردازد. در مقاله هشتم این نوروژه به «احکام وقوع نوروژ در ایام هفته» پرداخته شده، و بر اساس این که نوروژ در چه روز در هفته باشد، شرایط آن سال پیش‌بینی شده است.

نسخه مورد استفاده در این پژوهش نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (۹/۳۲۲-۳۲۶) است که توسط نسیم بنی‌اقبال تصحیح شده و در پایان‌نامه نام‌برده آمده است (← بنی‌اقبال: ۱۳۸۷).

۷. سام میرزا معروف به شاه صفی، ششمین پادشاه سلسله صفوی و پسر صفی میرزا پسر شاه عباس اول، در ۱۰۲۱ ق در نزدیکی نور مازندران متولد شد و در ۱۰۳۸ ق، پس از مرگ پدر بزرگش، به تخت نشست. در ۱۰۵۲ ق در کاشان وفات یافت و در قم به خاک سپرده شد (مصاحب، ۱۳۸۷: ۲/ ذیل «سام میرزا»).

۸. نویسنده در مقدمه رساله خود به بیان «فضیلت و شرافت» نوروژ بر اساس روایات، به‌ویژه روایت معلی بن خنیس، می‌پردازد. فصل نخست رساله او دربردارنده آداب و دعاهاست که برای قرائت در ایام نوروژ توصیه شده است. فصل دوم به «بیان سوره یس خواندن بر انار و ... نوشتن آیات هفت سلام و آنچه باید خوردن در این روز» اختصاص داده شده است. فصل سوم «در بیان جامه پوشیدن و آداب آن» نام دارد و در آن نویسنده به شرح آداب و رسوم لباس پوشیدن در نوروژ می‌پردازد. خاتمه رساله به طالع‌بینی بر اساس دور فلکی اختصاص دارد.

نسخه مورد استفاده ما نسخه شماره ۲۵۱۷ از فهرست شماره ۹ دانشگاه تهران است و توسط نسیم بنی‌اقبال تصحیح و در پایان‌نامه نام‌برده آمده است (← بنی‌اقبال: ۱۳۸۷).

۹. هفتمین پادشاه از سلسله صفویه پسر شاه صفی در صفر ۱۰۵۲ ق به جای پدرش شاه صفی بر تخت نشست و در ربیع‌الاول ۱۰۷۷ ق در حدود دامغان وفات یافت و در قم، در مقبره پدرش شاه صفی، مدفون شد (مصاحب، ۱۳۸۷: ۲/ ذیل «شاه عباس دوم»).

۱۰. دو نسخه از این رساله در پژوهش مورد استفاده قرار گرفت: نسخه تصحیح شده توسط آقای رسول جعفریان، که بر اساس نسخه خطی شماره ۸۷۵۵ کتابخانه مرعشی است و در جلد ششم میراث اسلامی ایران به چاپ رسیده است (← جعفریان: ۱۳۷۶) و نسخه خطی شماره ۴۷۶۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۱۱. هشتمین پادشاه صفوی و پسر شاه عباس دوم صفوی. سلطنت سلیمان ۲۸ سال و کسری طول کشید و سراسر آن در عشرت و آسایش و بی‌رحمی و سفاکی گذشت. در سال‌های آخر، اکثر عمر او در اندرون حرمسرا می‌گذشت و زنان و خواجگان بر بیش‌تر کارها مستولی بودند. در زمان او هلندی‌ها جزیره قشم را تصرف کردند و ازبکان در خراسان بنای تاخت‌وتاز نهادند (مصاحب، ۱۳۸۷: ۱/ ذیل «شاه سلیمان»).
۱۲. نسخه مورد استفاده ما نسخه خطی شماره ۴۷۲۷ کتابخانه دانشگاه تهران بوده است.
۱۳. نسخه مورد استفاده ما نسخه تصحیح شده مهدی رجایی است که در جلد چهارم میراث اسلامی ایران به چاپ رسیده است.
۱۴. فصل نخست رساله نوروزیه میر محمدباقر خاتون‌آبادی، که «در بیان اول سال به حسب شرع» نامیده شده، شامل شرح کوتاهی درباره آغاز سال قمری است. در فصل دوم به «بیان آن‌که روز نوروز کدام است و ذکر اقوال علما در آن» می‌پردازد و بحث مفصلی ارائه می‌دهد. فصل سوم رساله «در بیان فضیلت روز نوروز» است و در آن فضایل نوروز، بر پایه حدیث معلی بن خنیس، ذکر می‌شود. در فصل چهارم، با عنوان «در اعمال روز نوروز»، اعمال شرعی ذکر شده در حدیث معلی بن خنیس بازگو و به برخی اعمال «غیر معتبره» نیز اشاراتی شده است.
- نسخه مورد استفاده در این پژوهش نسخه تصحیح شده رسول جعفریان بر اساس نسخه شماره ۱۰۷۸۴ آستان قدس رضوی است که در جلد ششم میراث اسلامی ایران به چاپ رسیده است (← جعفریان: ۱۳۷۶).
۱۵. نسخه مورد استفاده ما نسخه خطی کتابخانه آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی بوده است.
۱۶. اسماعیل بن محمدباقر خاتون‌آبادی در مقدمه رساله خود به «تاریخ فارسیان و مبدأ سال ایشان» می‌پردازد و بر اساس تاریخ‌های دوران اسلامی، مانند روضه‌الصفاء، می‌کوشد مبدأ تقویم ایرانی را توضیح و روند کیسه‌گیری در ایران باستان و عهد اسلامی را شرح دهد. نسخه استفاده شده در این پژوهش نسخه خطی شماره ۳۰۵۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی است.
۱۷. ملا محمدجعفر بن محمد باقر سبزواری در مقدمه رساله خود به بحث تعیین روز نوروز ذکر شده در احادیث می‌پردازد. باب اول «در سبب تسمیه این روز به نوروز» نام دارد و در آن نویسنده بر اساس منابع دینی و تاریخی به رویدادهای رخ داده در نوروز می‌پردازد. باب دوم

«در ذکر بعضی از احادیث معلی که دلالت بر فضیلت این روز می‌کند» است و به ذکر حدیث معلی بن خنیس می‌پردازد. باب سوم «در اعمال از ادعیه و غیر آن که متعلق به این روز است» نامیده شده که در آن، افزون بر ذکر اعمال توصیه‌شده در حدیث معلی بن خنیس، شرحی طولانی پیرامون ادعیه‌های گوناگون، طلسم‌ها، خوراکی‌های توصیه‌شده، و جامه‌پوشیدن آمده است. در خاتمه مؤلف به «بیان احکام وقوع روز نوزوی در ایام هفته» می‌پردازد.

نسخه مورد استفاده ما نسخه تصحیح‌شده نسیم بنی‌اقبال بر اساس نسخه شماره ۲۹۶۴ موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است (بنی‌اقبال: ۱۳۸۷).

۱۸. در عهد صفویه سرکرده روحانی در ایران را ملباشی می‌نامیدند. در آغاز ملباشی‌گری منصب معینی نبود و افضل فضلائی هر عصر در معنی ملباشی بود. ملباشی در مجلس شاهان، نزدیک به مسند شاه، مکان معینی داشت و هیچ‌یک از فضلا و سادات نزدیک‌تر از ملباشی در خدمت شاهان نمی‌نشستند و ملباشی به غیر از استدعای وظیفه برای طالبین علم و مستحقین، رفع تعدی از مظلومین، شفاعت مقصرین، تحقیق مسائل شرعیه، تعلیم ادعیه، و امور مشروعه به هیچ‌وجه در کار دیگر دخالت نمی‌کرده است. در اواخر زمان شاه سلطان حسین صفوی محمدباقر مجلسی رسماً منصب ملباشی‌گری یافت. ظاهراً منصب ملباشی‌گری تا زمان نادرشاه باقی بود (مصاحب، ۱۳۸۷: ۱/ ذیل «ملباشی‌گری»).

۱۹. بخشی از متن آغازین رساله نوزویه ملا محمدجعفر بن محمدصالح خاتون‌آبادی برای نمونه در این جا آورده می‌شود:

رسمی است قدیم و طریقی است مستقیم و بر همگی ارباب عقل و معرفت و جملگی اصحاب سخا و همت، ظاهر و باهر است که هرکس تمنای آن دارد که آن‌چه لایق داند و تحفه شمارد اهدی و اتحاف بزرگان دوران و پادشاهان زمان نماید. این قلیل البضاعه را نیز به خاطر رسید که رساله مختصره‌ای در نوزوی که اشهر اعیاد پادشاهان عجم و اظهر ایام سرور اعیان چون جم است تألیف نماید و آن را هدیه‌ای بهر منظور نظر ایستادگان پایه سریر گردون نظیر، ملائک سپاه فلک بارگاه، ماه آسمان شوکت و کامکاری، کیوان ایوان حشمت و تاجداری، مشتری سماء معدلت و شهریاری، بهرام ملک شجاعت و بختیاری ... شاه سلطان حسین الموسوی الصفوی ... گرداند (بنی‌اقبال، ۱۳۸۷: ۹۹).

۲۰. برای نمونه این جملات از نوزویه میر محمدحسین بن محمدصالح خاتون‌آبادی نقل می‌شود:

شیخ صدوق و ابن بابویه در کتاب من لا یحضر الفقیه نقل نموده که جمعی آمدند به خدمت علی بن ابیطالب و شرفیاب حضور آن جناب گردیدند و آوردند برای آن جناب هدیه و تحفه نوزوی را که در میان عجم شایع و متعارف بوده که برای یک‌دیگر تحفه و هدیه می‌فرستادند. پس آن حضرت فرمود که چیست این‌ها عرض کردند: یا امیرالمومنین امروز نوزوی است پس

فرمود آن حضرت که بکنید از برای ما هر روز نوروز را ایضاً ابن بابویه روایت کرده گفته که مرویست که آن حضرت فرمود: که نوروز ما هر روز است و ایضاً ابن بابویه از ابراهیم کرخی که گفت: پرسیدم از حضرت امام جعفر صادق از مردی که می‌باشد برای او قریه و مزرعه پس چون روز اول میزان می‌شود جماعت دهقانان از آن ده می‌آورند برای آن مرد تحفه که آن لازم نیست برای ایشان آوردن آن بلکه تقرب می‌جویند به سبب این تحفه‌ها به سوی آن مرد. آیا میتوان‌اند قبول کرد آن مرد از ایشان آن هدیه را فرمود آن‌حضرت آیا نیستند آن جماعت مسلمین عرض کردم: بلی آن جماعت از مسلمین‌اند فرمود: پس البته قبول کند تحفه و هدیه ایشان را و تسویه کند میان ایشان یا آن‌که جزای خیر دهد بایشان (خاتون‌آبادی، کتاب‌خانه حضرت عبدالعظیم: ۲۳-۲۴).

۲۱. در این جا نمونه‌ای از متن اصلی نوروزیه‌ها را به نقل از رساله نوروزیه اسماعیل بن محمدباقر خاتون‌آبادی می‌آوریم:

ظاهر استعمالات و لغت فارسین موافق ضابطه عهد جمشید است که مبدأ سال ایشان که اول فرودین است اول حمل باشد لیکن در زیجات اهل ریاضی چنین نقل کرده‌اند که مبدأ تاریخ فرس روز سه‌شنبه بیست و دویم ربیع‌الاول سال یازدهم هجرت بوده که چند روزی بعد از رحلت رسول ثقلین از دار فنا به دار بقا بوده باشد که روز جلوس یزدجرد بن شهریار آخر ملوک عجم است بر تخت سلطنت عجم و سال‌ها و ماه‌های این تاریخ شمسی اصطلاحی چه سیصد و شصت و پنج روز را بی‌کسری سال گیرند و ماه‌ها را سی روز سی روز گیرند و پنج روز زیادتی را بعضی در آخر آبان ماه گیرند و منجمان در آخر سال گیرند تا نوشتن تقاویم آسان‌تر بود و این تاریخ در اول از کسور و کبابس خالی نبوده بلکه در سر صد و بیست سال یک ماه کبس می‌کرده‌اند یعنی یک ماه را مکرر گرفته‌اند تا صد و بیست سال ایشان موافق صد و بیست سال رومیان گردد و خمسه مستترقه را در آخر ماه مکبوس زیاد می‌کرده‌اند و ماه مکبوس نیز معین نبوده است بلکه اگر در یک صد و بیست سال ماه مکبوس فرودین را گرفته‌اند در صد و بیست سال دیگر که بعد از آن بوده است ماه مکبوس اردیبهشت را می‌گرفته‌اند و همچنین تا آن‌گاه که نوبت کبس به هریک از یک از ماه‌های دوازده‌گانه برسد و آن در مدت هزار و چهارصد و چهل بود و درحقیقت و واقع اول این تاریخ در زمان جمشید بوده است و پس از وی هنگام جلوس هر پادشاه بزرگ که ایشان را بودی تاریخ را تجدید کردند به نام آن پادشاه تا آن‌گاه که مملکت به یزدجرد بن شهریار آخر ملوک عجم رسید اتفاق چنان افتاده بود که نوبت کبس به آبان‌ماه رسیده بود و خمسه مستترقه را در آخر آبان‌ماه زیاد کرده بودند (خاتون‌آبادی، کتاب‌خانه مجلس: ۱۲).

۲۲. منابع شیعی از قرن هفتم ق به بعد بر پایه حدیث معلی بن خنیس، که شیخ طوسی نقل کرده است، مسئله استجباب نوروز و تعیین آداب شرعی برای آن را پذیرفته بودند. آن‌چه از آن پس اهمیت یافت مسئله تعیین نوروز شرعی بود که بایستی در آن مراسم مذهبی به‌جا آورده می‌شد.

شهید اول در ذکری الشیعه روز اول سال فارسیان، وارد شدن خورشید به برج حمل، و دهم ایار رومی را سه تاریخ محتمل برای نوروژ شرعی می‌داند. سپس در قرن نهم ق ابن فهد حلی به بررسی مفصل این مسئله پرداخت و ورود خورشید به برج حمل را از دیگر تاریخ‌ها محتمل‌تر دانست (جعفریان، ۱۳۷۶: ۶/ ۶۹۲).

۲۳. کیسه‌گیری ۱۲۰ ساله مرسوم در عصر ساسانی پس از سقوط این دودمان تا سال‌ها مورد غفلت قرار گرفت و نوروژ در طول سال سیار شد. متوکل عباسی، در نتیجه گسترش علاقه به نجوم در عصر مأمون، فرمان اصلاح تقویم را صادر کرد، اما کار در روزگار المعتضد عباسی به انجام رسید و نوروژ به یازدهم ماه رومی حزیران مصادف با اول خرداد ماه پارسی منتقل شد که به نوروژ معتضدی مشهور است (رضی، ۱۳۸۲: ۳۲۲). در دوران ملک‌شاه بار دیگر تقویم اصلاح شد و نوروژ در اول حمل [روز اول بهار] تعیین شد و ثابت گردید و به نوروژ سلطانی معروف شد (همان: ۳۲۳). در عصر غازان‌خان، با توجه به اختلاف‌هایی که به علت استفاده از تقویم‌های گوناگون رخ داده بود و علاقه شخصی وی به دانش نجوم، کیسه‌ها از زمان معتضد، که ناشی از تفاوت سال شمسی و قمری طی ۴۲۰ سال بود، یک‌جا محاسبه شد و نه سال به‌شمار آمد و به همین جهت سال ۶۹۲ به ۷۰۱ جلو برده و تثبیت شد و این اصلاح به تاریخ غازانی مشهور و روز نوروژ در آغاز بهار کاملاً تثبیت شد (همان: ۳۲۷).

۲۴. از ریشه هبوب به معنی وزیدن باد و طلوع کردن ستاره (معین، ۱۳۸۸: ۴/ ۵۰۹۹).

۲۵. از جمله این مناسبت‌ها به آغاز خلافت علی بن ابیطالب، پیروزی علی بن ابیطالب در جنگ نهروان، شکسته شدن بت‌های کفار توسط پیامبر اسلام، و روز نزول جبرئیل بر پیامبر اسلام می‌توان اشاره کرد.

۲۶. هر چند منابعی که کوشیده‌اند صرفاً اعمال معتبر را شرح دهند فقط از این موارد نام برده‌اند، و توضیحات بیش‌تری ارائه نکرده‌اند، اما خوش‌بختانه در برخی رساله‌های نوروژیة می‌توان شرح کامل این اعمال را یافت.

ملا محمد جعفر بن محمد باقر سبزواری در نوروژیة خود می‌نویسد:

در بعضی رسایل که بعضی از افاضل در زمان نواب رضوان مکان علیین آشیان، شاه طهماسب الحسینی الصفوی، در احوال نوروژ نوشته مذکور است که در بعضی از کتب حدیث دیده‌ام منقول از حضرت امیر که هرکه این هفت آیه را روز نوروژ بر کاسه چینی یا جامی نویسد به مشک و زعفران و به و گلاب بشوید، هر کس که از آن چند قطره بخورد تا یک سال هیچ درد و المی به او نرسد و از جمیع بلاها ایمن باشد و اگر گزنده‌ای او را بگردد، زهر بر وی کار نکند و هفت آیه این است سلام قولامن رب رحیم (یس: ۵۸)، سلام علی نوح فی العالمین (صافات: ۷۹)، سلام علی ابراهیم (صافات: ۱۰۹)، سلام علی موسی و هارون

(صافات: ۱۲۰)، سلام علی آل یاسین (صافات: ۱۳۰)، سلام علیکم طبیتم فادخلوها خالدین (الزمر: ۷۳)، سلام هی حتی مطلع الفجر (فجر: ۵) (بنی اقبال، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

همچنین (← عمادالدین محمود بن مسعود، همان: ۵۳؛ میرمحمدحسین بن محمدصالح خاتون آبادی، کتابخانه حضرت عبدالعظیم: ۱۳؛ محمدتقی بن رازی) (بنی اقبال، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

۲۷. می گوید:

بدان که چون روز نوروز باشد به عدد رثوس انار شیرین که بزرگ باشد بستاند و انار ترش نیز مجوز است و اگر انار یافت نشود حب نبات بستاند و چهل و یک نوبت یس بر انارها خوانند خواه یک کس بخواند و خواه جمعی و هر یک نوبت که می خوانند باد بر انار بدمند تا چهل و یک نوبت تمام شود. باید که اندکی پیش از تحویل بخوانند و چون سال بگردد آن انار را پوست بکنند و تناول کنند و نگذارند که یک دانه ضایع شود و پوست آن را ریزه ریزه کرده در آب روان اندازند و در محل خواندن یس اندکی سوراخی در انار کنند و به نوشتن مشغول شوند و چون این عمل کرده باشند به عدد هر دانه از آن انار مرضی از خورنده آن انار دفع شود تا سال دیگر از جمیع آفات و بلیات در حفظ و امان حق تعالی بوده باشد از برکت سوره یس و دیگر فواید بسیار بر آن مترتب است (همان).

۲۸. گل کتانی که به اسامی محاجم و دهان شیر و قلیحه و گیاه نوروز نیز موسوم است (معین، ۱۳۸۸: ۳/ ۳۹۴۹)

۲۹. همچنین (← میرمحمدحسین خاتون آبادی، کتابخانه حضرت عبدالعظیم: ۲۰؛ محمدتقی رازی) (بنی اقبال، ۱۳۸۷: ۱۵۴).

۳۰. داروی خشک کوبیده، هر نوع گرد دارویی (معین، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۸۹۰).

۳۱. همچنین (← بنی اقبال، ۱۳۸۷: ۱۵۴؛ عمادالدین شیرازی، همان: ۱۱۵؛ میرمحمدحسین خاتون آبادی، کتابخانه حضرت عبدالعظیم: ۱۹).

۳۲. همچنین (← بنی اقبال، ۱۳۸۷: ۱۵۵؛ ملا محمدجعفر سبزواری، همان: ۱۱۸).

۳۳. پرستو، چلچله (معین، ۱۳۸۸: ۱/ ۱۴۲۸).

۳۴. او در آغاز بحث خود توضیح می دهد:

بدان که منجمان را اعتقاد آن است که هر کس در وقت تحویل آفتاب به حمل منسوبات صاحب حد درجه طالع سال را به کار دارد بنا بر قول مشهور در تمامی آن سال از آفات محفوظ باشد و به عیش خرمی گذراند و آن چنان است که بعد از آن که درجه طالع سال مشخص شده باشد ملاحظه نمایند در جدول حدود مصریان که صاحب حد درجه طالع سال کدام کواکب است از کواکب سبعة هر کواکب که باشد منسوبات آن کواکب را چنانچه مذکور می شود به کار دارند (بنی اقبال، ۱۳۸۷: ۱۵۷).

سپس «منسوبات کواکب» را نام می‌برد و به ترتیب منسوبات قمر، عطارد، زهره، شمس، مریخ، مشتری، و زحل را معرفی می‌کند و در هر مورد اهل مجلس، جوانان، جاهر و معادن، عطریات، میوه‌ها، شیرینی‌ها، طعام‌ها، گوشت‌ها، سبزی‌ها، و نان‌های منسوب به کواکب را شرح می‌دهد (همان).

منابع

- بنی‌اقبال، نسیم (۱۳۸۷). تصحیح پنج رساله نوروژنامه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی مظفر بختیاری، تهران: دانشگاه تهران.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۹). تاریخ ادبیات در ایران پیش از اسلام. تهران: سخن.
- تهرانی، آقابزرگ (۱۳۵۶). الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۴، تهران: اسلامیه.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۶). میراث اسلامی ایران، ج ۴ و ۶، قم: کتاب‌خانه آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- خیام، عمر (۱۳۸۰). نوروژنامه، تصحیح و تحشیه مجتبی مینوی، تهران: اساطیر.
- رضی، هاشم (۱۳۸۲). گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، تهران: بهجت.
- صدر حاج سیدجوادی، احمد (۱۳۷۵). دایرةالمعارف تشیع، ج ۱، تهران: شهید سعید مجتبی.
- فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۷۷). مهاجرت علمای شیعه از جیل عامل به ایران در عصر صفوی، تهران: امیرکبیر.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۷). دایرةالمعارف فارسی، تهران: امیرکبیر.
- معین، محمد (۱۳۲۵). روزشماری در ایران باستان، تهران: انجمن ایران‌شناسی.
- معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی (دوره شش جلدی)، تهران: امیرکبیر.
- حسینی، محمدابراهیم الخادم (بی‌تا)، نوروژه، نسخه خطی ش ۴۷۲۷ دانشگاه تهران.
- خاتون‌آبادی، محمداسماعیل بن محمدباقر (بی‌تا) نوروژه، نسخه خطی ش ۳۰۵۳ کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی.
- خاتون‌آبادی، میرمحمدحسین بن محمدصالح (بی‌تا) نوروژه، نسخه خطی کتاب‌خانه آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی.
- قزوینی، آقارضا (بی‌تا) نوروژه، نسخه خطی ش ۴۷۶۷ کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی.